خبرهای خوب برای زنان ایرانی که شوهر افغان دارند

زنان بدون مردان

دولت از سال ۱۳۸۵ ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان را نمی‌پذیرد به‌طوری که زنان ایرانی امکان ازدواج رسمی با مردان افغان را ندارند. مسئولان و دست‌اندرکاران دولتی معتقدند اتباع افغان برای استفاده از مزایای اجتماعی نظیر تحصیل در مدارس ایرانی، بیمه و خدمات بهداشتی و اجتماعی و همچنین اقامت قانونی در ایران با زنان ایرانی ازدواج می‌کنند. برای ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی نخست پروانه ازدواج صادر می‌شود. این پروانه به زنان ایرانی اجازه ازدواج با مردان خارجی را می‌دهد و پس از انجام مراسم عقد و ازدواج برای دو طرف سند ازدواج صادر می‌شود.

قوه قضائیه ایران نیز اعلام کرد که ازدواج اتباع خارجی با دختران ایرانی باید با اجازه وزارت امور خارجه ایران صورت بگیرد. بسیاری ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان ناشی از فقر، بی‌اطلاعی زنان ایرانی و خانواده‌هایشان دانسته‌اند.

از دلایلی که برای عدم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان ذکر شده از دست دادن تابعیت ایرانی این زنان است به گفته مسئولان براساس قوانین تابعیت افغانستان زنان خارجی که با مردان افغان ازدواج می‌کنند، تابعیت افغانستان می‌گیرند. درحالی‌که براساس قوانین افغانستان اتباع بیگانه بعد از ۵ سال اقامت قانونی، می‌توانند در خواست تابعیت افغانستان را کنند و در عین حال می‌توانند تابعیت اولی خود را همچنان حفظ کنند. ایران تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد و زن ایرانی در پی ازدواج با مرد خارجی به تابعیت خود می‌ماند مگر تابعیت شوهر به او تحمیل شود و با این تفسیر تابعیت زن ایرانی از دست برود.

فرزندان زنان ایرانی و مردان خارجی که با مجوز دولت ازدواج کرده باشند می‌توانند تابعیت ایرانی بگیرند. این قانون اولین بار در سال ۸۵ مصوب شد و با یک قوریتی که مجلس به آن رأی داد اصلاحاتی روی آن صورت می‌گیرد. مطابق ماده اضافه شده به این قانون فرزندان متولدشده از زنان ایرانی و مردان خارجی که مطابق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی با اخذ مجوز ازدواج کرده‌اند، ایرانی محسوب می‌شوند و می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند. اما تکلیف فرزندانی که پیش از این قانون متولد شده‌اند چه خواهد بود؟

اما این روزها خبرهای خوشی برای زنان ایرانی که به همسری مردان افغان درآمده‌اند، شنیده می‌شود. معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده گفته است: با مشارکت معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری درحال انجام اقداماتی به منظور رفع مشکل بی‌تابعیتی زنان ایرانی هستیم که به ازدواج مردان افغان درآمده‌اند. شهیندخت مولاوردی در دیدار خود با خبرنگاران زن افغان در معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست‌جمهوری افزود: رفع مشکل بی‌تابعیتی زنان ایرانی که به ازدواج مردان افغان درمی‌آیند در دولت‌های مختلف مطرح بوده و حتی مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه کار کرده است. ما مجددا این موضوع را بررسی و گزارشی درباره آن به رئیس‌جمهوری ارایه کردیم؛ این مشکل حتی در سفر هیات دولت به سیستان‌وبلوچستان نیز مطرح شد.

شرایط ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی

طبق ماده یک آیین‌نامه اجرایی زناشویی بانوان ایرانی با اتباع خارجی و در اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به وزارت کشور اجازه داده شده است در صورت رعایت مقررات مربوطه به بانوان ایرانی اجازه ازدواج داده شود.

نظام حقوقی ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی

امکان ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در قوانین ایرانی پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه وی مترتب می‌شود. در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه فوق، تابعیت ایرانی نامبرده به قوت خود باقی خواهد ماند مگر آن که طبق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زوجه تحمیل شود.

با این وجود متعاقب فوت شوهر و با تفریق مابین، با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر با سند جدایی و مدارک مه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه مجددا به او تعلق خواهد گرفت.

دلایل تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج را باید در علل مختلف جویاشد:

۱- ارادِه صریح یا ضمنی زن به این موضوع که با آگاهی از تفاوت تابعیت شوهر تغییر می‌یابد، به ازدواج با او رضایت می‌دهد.

۲- سلطه شوهر موجب این تغییر گشته و طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، آن را موجه سازد.

۳- اثر وصف تأسیسی عقد ازدواج سبب این تغییر می‌شود. بدین ترتیب، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، یکی از جهات از دست دادن تابعیت وی است.

تشریفات مربوط به ازدواج با اتباع بیگانه

مراجعه زوجین به اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری و درخواست صدور پروانه زناشویی، گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی؛ مگر این که زوجه از آوردن چنین گواهینامه‌ای توسط زوج صرفنظر کند. گواهینامه مبنی بر تاهل یا تجرد مرد؛ این گواهی از سوی مراجع محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی متبوع مرد صادر می‌شود مگر این که زوج پناهنده باشد و چون در این مورد از حمایت مأموران سیاسی و کنسولی برخوردار نیست و طبیعتا صدور چنین گواهینامه‌ای امکان ندارد، زوجه می‌تواند با سپردن تعهد مبنی بر پذیرفتن عواقب بعدی ازدواج از جمله کشف ازدواج قبلی و متاهل بودن زوج از راه آن توسط زوج صرفنظر کنند. پس از طی این مراحل پروانه اجازه زناشویی از سوی استاندار صادر می‌شود و مراتب جهت ثبت ازدواج به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود. تضمین مهمی که در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده اخذ ضمانت از زوج جهت پیگیری از مشکلات بعدی است. این تضمین در جهت داشتن روابط حسنه در مدت زناشویی و ادای صحیح امور مالی زوجه و فرزندان تحت حضانت و هزینه مراجعت همسر ایرانی به محل سکونت در صورت طلاق است. به‌دیهی است در صورتی که ازدواج با اتباع خارجی بدون رعایت مقررات قانونی انجام شود چنین تضمیناتی وجود نخواهد داشت. در دستورالعمل ثبت ازدواج اتباع خارجی با اتباع ایرانی نیز شرایط دیگری از جمله اعتبار گذرنامه تبعه خارجی و محدودیت‌هایی که اتباع افغانی دارای کارت آبی رنگ یا اتباع عراقی دارای کارت سبز رنگ برای ازدواج دارند، پیش‌بینی شده است.

زنان مسأله اجتماعی را چگونه تعریف می‌کنند؟

در خبری آمده بود که درخصوص مطالبات زنان تنها یک پژوهش قابل استناد وجود دارد؛ «مسأله‌شناسی زنان بنابر روایت زنان» پژوهشی است که توسط سهیلا صادقی‌فسایی و سمیه مقدم انجام شده و سال ۱۳۹۲ در فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی به چاپ رسیده است. این تحقیق درباره نگرانی‌های زنان از آینده، رضایت از زندگی، بهرمندی یا بی‌بهرگی از حقوق اجتماعی و علل آن و موانع ارتقای موقعیت زنان، نتایجی به‌دست داده است. در قسمت نتیجه‌گیری این طرح، نیازها و مطالبات زنان، به ترتیب اشتغال، ایجاد امکانات تفریحی و رفاهی و ورزشی، تقویت امنیت عمومی و بهبود وضع معیشتی بیان شده است.

زنان مسأله اجتماعی را چگونه تعریف می‌کنند؟

جالب است بدانید بیشتر پاسخگویان در این تحقیق، مسأله اجتماعی را معادل مشکل یا وضعیتی می‌دانند که ناشی از نارسایی و ناهماهنگی تعاملات مربوط به افراد و خانواده و ساختارهای اجتماعی است. آنها نه تنها مسائل خود را واقعی می‌پندارند؛ چراکه می‌توانند مصادیقی را برای آن برشمرند، بلکه بر این باورند که این گونه مسائل بر کیفیت زندگی آنها تأثیر نامطلوب می‌گذارد و موجب آزار و هزینه‌های جسمی و روانی می‌شود.

گاهی دید زنان به مسائل، تاحدودی جزمی است. به این معنا که مسائل خود را حل‌نشدنی می‌دانند و به شیوه‌ای تقدیرگرایانه در پذیرش آن به تسلیم، سکوت، سازش و تطابق کشیده می‌شوند. زنان کمتر متوجه بعد اجتماعی مسائل خود هستند و به نظر می‌رسد حتی مسائلی که در عمق رویه‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختاری ریشه دارد، برای آنها شخصی و خانوادگی تلقی می‌شود.

مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد که همه زنان، فارغ از سن، وضع و طبقه اجتماعی به این مسأله اذعان دارند که در ایجاد یا استمرار وجود، بروز، ظهور و گسترش مسائل خودشان دخیل هستند. چنین برداشتی ممکن است ناشی از این تفکر باشد که زنان مسائل خود را بیشتر موضوعی شخصی و خصوصی تلقی می‌کنند و کمتر به رابطه میان مسائل خود و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی واقفاند.

از طرفی، عادی‌سازی مسائل اجتماعی و بهره‌گیری از تکنیک‌های تطابق با اوضاع زن‌ها را بیشتر به این سمت‌وسو می‌کشاند که در بهترین حالت، مسائل خود را کتمان کنند یا وجود چنین مسائلی را عادی برشمرند و در بدترین حالت، خودسرزنشی پیشی کنند و درباره اثرگذاری خود در شکل‌گیری آن مسائل غلو کنند.

بعضی از زنان بر این باورند که استمرار و بازتولید مسائل آنها به نحوه تفکر شان برمی‌گردد؛ برای مثال، زری ۳۰ ساله، مجرد، شاغل و ساکن منطقه ۲ می‌گوید: علت همه مسائل زنان، خود آنها هستند و تا نخواهند چیزی تغییر نخواهد کرد؛ تفسیر زنان از مسائل خود حاوی نوعی تضاد است. از طرفی، می‌گویند اگر نحوه تفکر آنها تغییر کند، می‌توان از شر مسائل خلاص شد و از طرف دیگر، باید تعیینی و تقدیرگرایانه به مسائل خود نگاه می‌کنند؛ به این معنا که سرنوشت آنها قطعی است و باید به نحوی با آن کنار آمد.

مصادیق مسأله اجتماعی از دید زنان

مصادیق مسائل اجتماعی از دید زنان بسیار متنوع است. تنوع این مسائل با توجه به متغیرهای مختلفی همچون سن، وضع تأهل، اشتغال، فرزند داشتن یا نداشتن و عوامل دیگر توجیه می‌شود. با توجه به تنوع مصادیق، دسته‌بندی آنها بسیار مشکل به‌نظر می‌رسد، اما می‌توان آنها را حول دو محور کلی حوزه خصوصی و عمومی دسته‌بندی کرد.

فشار مضاعف زنان

به نظر می‌رسد زنان شاغل علاوه بر مشکلات و مسائلی که در محیط کار با آن روبه‌رو هستند، در مقایسه با زنان خانه‌دار، از فشار مضاعفی رنج می‌برند؛ مصاحبه‌های عمیق حاکی از این مطلب است که زندگی روزمره زنان شاغل با فشار زیادی همراه است.

نسرین ۳۲ ساله، متأهل، دارای ۲ فرزند و کارمند می‌گوید: ساعت ۶ صبح بیدار می‌شوم، صبحانه و ناهار شوهرم و بچه‌ها را آماده می‌کنم. بچه‌ها را راهی مدرسه کرده و خودم سر کار می‌روم. ساعت ۴ که برمی‌گردم، بلافاصله به آشپزخانه می‌روم، غذا می‌پزم و کارهای خانه و بچه‌ها را می‌کنم. شوهرم که می‌آید، روزنامه می‌خواند و تلویزیون می‌بیند، اما من تا ساعت ۱۲ سرپا هستم و آخرین نفر هم می‌خوابم.»

سالم نبودن محیط‌های کاری

زنان در محیط کار با مسائل مختلفی درگیر هستند که بعضی از این مسائل، آزاردهنده و بازدارنده فعالیت‌های اجتماعی افراد است. از جمله این مسائل می‌توان به آزار جنسی در برخی محیط‌های کار اشاره کرد.

افسانه ۲۴ ساله، متأهل می‌گوید: «منشی شرکت تجاری هستم؛ البته این سومین باری است که محل کارم را عوض کردم. مردها به خودشان اجازه می‌دهند هرطور که می‌خواهند رفتار کنند و آدم را ذیت کنند.»

تن دادن به کارهای بی‌ارزش و بدون حق بیمه و با دستمزد کم، به دلیل نیاز مالی و مشکلات اقتصادی به علت طلاق یا اعتیاد شوهر

محدودیت مشاغل خاص زنان و نبذ برفتن زنان در پست‌های مدیریتی

مرضیه ۲۷ ساله، مجرد، شاغل و ساکن منطقه ۵ می‌گوید: «مردها با روحیه خود به تر بینی، خیلی نمی‌پسندند زنان شغل‌های مدیریتی را بگیرند.» زیبا ۲۵ ساله، کارمند و مجرد می‌گوید: «مشکل زنان این است که هر کاری نمی‌توانند بکنند. باید خیلی چیزها را در نظر بگیرند. شرایط کاری، محل کار و شرایط خانوادگی و خیلی چیزهای دیگر.»

احساس امنیت اجتماعی

به نظر می‌رسد بخشی از مسائل اجتماعی زنان چه در فضاهای عمومی و چه در محل‌های کاری، در نوع روابط مردان با آنها تبیین می‌شود. بحث امنیت و احساس امنیت از مسائل مهمی است که بخش عمده‌ای از زندگی زنان در هر گروه سنی را درگیر کرده است.

احساس ناامنی در زنان غالبا در ارتباط با مردان تفسیر می‌شود. برای مثال، نهال ۲۴ ساله و مجرد می‌گوید: «اصلا امنیت نداریم. شاید من دلم بخواهد ۹ یا ۱۰ شب مهمانی بروم یا از مهمانی برگردم، حتما باید از اتاقم بگیرم یا مرد همراهم باشد. امنیت نیست. همیشه نمی‌توان در جاهایی حاضر شد و باید به کی و کجا فکر کنم تا ببینم امنیت هست یا نیست.»

دختران جوان معمولا بیشتر دچار مسأله احساس ناامنی در جامعه می‌شوند و هرچقدر سن‌شان بیشتر می‌شود، کمتر به این مسأله می‌پردازند. می‌توان گفت احساس ناامنی در بیشتر مصاحبه‌های دختران و زنان جوان دیده می‌شود، اما زنان متأهل و مسن‌تر، غالبا امنیت اجتماعی را در جامعه در حد بسیار خوبی ارزیابی می‌کردند و معتقدند فضای اجتماعی برای دختران‌شان کم‌وبیش امن است.

اقتصاد زندگی به زبان ساده

اقتصاد خانواده به بررسی جوانب مختلف چرخه «عمر خانواده» می‌پردازد. چرخه عمر خانواده از زمان ازدواج تا زمان مرگ یا طلاق است. استراتژی کلی در مطالعه این شاخه از علم، استفاده از روش‌های اقتصادی برای تجزیه و تحلیل انتخاب‌های مردان و زنان در اموری همچون شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده است. اما آنچه برای ما ملموس‌تر است نحوه دخل و خرجمان است به گونه‌ای که هم رفاه و امنیت خانواده به خطر نیفتد و هم مایحتاج اعضای خانواده تأمین شود. اقتصاددان‌ها تلاش می‌کنند تا نحوه تصمیم‌گیری مردم را از زمان ازدواج تا زایمان و طلاق به‌عنوان نتیجه مقایسه سود حاشیه‌ای و هزینه حاشیه‌ای آحاد اقتصادی درک کنند. مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید براساس میزان درآمدهای یکی از اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود. خانواده براساس شرایط حال تصمیم‌گیری کند و در مدیریت اقتصادی جایی نیز برای پس‌انداز در نظر بگیرد. این نوع مدیریت نشان از آینده‌نگری خانواده دارد و معمولا دچار مشکلات مالی و اقتصادی نمی‌شود و در برابر مشکلات و عوامل پیش‌بینی نشده اقتصادی مقاومت می‌کند.

جمله کلیشه‌ای که هیچوقت از زبان‌ها نمی‌افتد: «قدیم‌ها چیزها خیلی ارزان‌تر بود»، بله، تورم روی ارزش پولی که به زحمت درآورده‌اید بی‌تأثیر نیست. درست است. قبلا با هزار تومان خیلی چیزها می‌شد خرید اما مردم معمولا فراموش می‌کنند که ارزش پولشان بستگی به دورانی دارد که در آن زندگی می‌کنند. درست است که ۳۰ سال پیش می‌توانستید با هزار تومان کلی چیز بخرید، اما حواستان باشد که آن روزها هم درآمدتان خیلی کمتر از الانتان بود. صرفنظر از دورانی که در آن زندگی می‌کنید، لازم است با راه‌های اصلی پس‌انداز پول آشنا شوید. اکثر والدین معمولا در مورد این که توانسته‌اند شرایط تحصیلات مناسب را برای فرزندانشان فراهم کنند، به خود می‌بالند، اما متاسفانه آنها فراموش می‌کنند تا راه و روش پس‌انداز کردن پول را هم به فرزندانشان آموزش دهند. راه‌های آسان زیر را ما به شما توصیه می‌کنیم:

۱- واقعیت را بررسی کنید

قبل از خرید هر چیز گرانقیمت و بزرگ، اطمینان پیدا کنید که این خرید را از روی احساس انجام نمی‌دهید. مردم عادت دارند که خریدهایی غیرضروری را فقط از روی هوس انجام دهند و نه در واقع از روی نیاز. توصیه ما این است که قبل از هر خرید، خوب موقعیت خود را بررسی کنید و واقع‌بین باشید.

۲- قیمت‌ها را مقایسه کنید

قبل از هر خرید، ما توصیه می‌کنیم که همه جا را ببینید. اگر با دیدن یک چیز در فروشگاهی سریعا دست به خرید آن بزنید ممکن است سرتان را کلاه بگذارند. سوال کردن از فروشگاه‌های دیگر و پرس و جوی قیمت، چندان زحمتی هم نمی‌برد. اگر وقت کافی برای پرس‌وجوی قیمت ندارید، توصیه می‌کنیم که همه جزییات را از یک فروشنده سوال کنید و بعد با فروشگاه‌های دیگر برای چک کردن و مقایسه قیمت‌ها تماس بگیرید. وقتی ارزان‌ترین فروشگاه را پیدا کردید، بعد دست به خرید بزنید.

۳- چانه بزنید

بعضی مردم خجالت می‌کشند یا میل‌شان از این مغرور هستند که بخواهند سر قیمت چیزی بافروشندگه چانه بزنند اما جالب است بدانید که پولدارترین مردم همیشه بیش از سایرین هنگام خرید چانه می‌زنند. همین دلیل ثروتمند بودن آنها را می‌رساند چون آنها ارزش پولی که به زحمت به دست آورده‌اند را می‌دانند و هیچوقت آن را الکی در نمی‌اندازند.

۴- مراقب خرید قسطی باشید

در خریدن چیزها با وام یا به صورت اعتباری افراط نکنید. این کار یکی از عوامل مهم وارد آمدن استرس بر رابطه ازدواج است. مصرف بخش بزرگی از حقوق دریافتی ماهانه برای پرداخت وام‌ها باعث می‌شود، آرامش شما سلب شود و نتوانید از زندگی با یک برگ لذت ببرید. بودجه خانواده را با همفکری هم تنظیم کنید و این برنامه را رعایت کنید. خرید چیزهایی را به زمانی واگذار کنید که پول کافی برای پرداخت هزینه آن پس‌انداز کرده باشید یا این که به‌طور مشترک با پول دو نفر تان امکان خرید آن را داشته باشید.

۱۲ عکس نگاری مشارکتی

شما خواننده گرامی می‌توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هرگونه توضیح، ترجمه و خاطره‌ای را برای ما ارسال کنید. ماه دیگر در همین روز و با همین شماره، این عکس مجددا منتشر و مطالب ارسالی شما به همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com

خطر آب ناسالم برای کودکان بیشتر از خطر جنگ برای آنان است

نگاه ویژه

وقتی آشفتگی اجتماعی عادت می‌شود

قانون‌گریزی اتفاقی نیست که بخواهیم درمبین بردارییم و با موشکافی بسیار به دنبال نمونه‌هایی از آن بگردیم. گاهی کافیست نگاهمی به رفتار خودمان بیندازیم تا نمونه‌هایی از آن را مشاهده کنیم. همین که برای رد شدن از عرض خیابان به چراغ سبز و قرمز توجهی نمی‌کنیم، یا برای تهیه یک مقاله دانشگاهی راهی خیابان انقلاب می‌شویم تا در ازای پرداخت مبلغی از صاحبان تولید علم می‌شویم، وقتی راننده تاکسی به بهانه نداشتن پول خرد مابقی پول ما را پس نمی‌دهد یا شاید یک فروشنده هر مقدار که نیاز داشته باشد روی کلایی که قرار است بفروشد می‌کشد، نمونه‌هایی بارز از قانون‌گریزی است که ادامه حیات جامعه را به مخاطره می‌اندازد و بر اهمیت آن باور نداریم و نگاهمان همیشه به مسئولان و برنامه‌ریزان است که چرا برای از میان بردن آشفتگی جامعه کاری از پیش نمی‌برند غافل از این که خود ما هم برای این آشفتگی باید کاری انجام دهیم. نظم اجتماعی از مهم‌ترین ارکان هر جامعه است و اساس آن پایبندی همه اعضای جامعه به قواعد و هنجارهای مورد توافق است.

اما نحوه برخورد ما هنگام مواجه شدن با قانون‌گریزی چگونه می‌تواند باشد؟ می‌توانیم بر آن بی‌قانونی که در نهایت منجر به نادیده گرفته شدن حقوقی از ما می‌شود آگاه نباشیم و آنچه که درحال رخ دادن است را امری طبیعی بدانیم. می‌توانیم بر آن اتفاق آگاه شویم و با این تصور که اعتراض ما نتیجه‌ای نخواهد داشت به راحتی از آن امر نادرست چشم‌پوشی کنیم و خودمان را از پیامدهای منفی اعتراض دور نگه داریم. همچنین می‌توانیم در صورت مشاهده آن بی‌قانونی، اعتراض خودمان را اعلام کنیم. مثلا به راننده تاکسی تاکید کنیم که هزینه اضافی را باید برگرداند و با بی‌حوصلگی از حقمان نگذریم. اگر در مقابل این بی‌قانونی‌ها و عدم رعایت هنجارها مقاومتی صورت نگیرد، بعد از مدتی آشفتگی اجتماعی ناشی از آن، امری طبیعی می‌شود، همان‌طور که عدم عبور از خط عابر پیاده و عدم رعایت حقوق دیگران آزارمان نمی‌دهد. اما در سطوح بالاتر هم می‌توان شاهد این ناسامانی بود. به‌عنوان نمونه، در چند روز اخیر معاون سازمان نظام روانشناسی ومشاوره کشور از کارشکنی‌های سازمان بهزیستی در مسیر ساماندهی مراکز مشاوره ازدواج به شدت انتقاد کرده است. دکتر محمد حاتمی در این رابطه تصریح کرد: اگر سازمان بهزیستی، معاونت ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان (سازمان ملی جوانان سابق) و همه ما به قانون پایبند باشیم مشکلی ایجاد نمی‌شود. قانون به صورت کامل و واضح وظایف دستگاه‌های هم‌عرض را مشخص کرده و در قانون تصریح شده است. این مسائل یک بار به صورت حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و ریاست مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهوری هم بیان کرده‌اند که «صدور مجوز مراکز خدمات روانشناسی از هر نوع و هر شکلش برعهده سازمان نظام روانشناسی است»؛ ما در این جا کمیسیون‌های تخصصی متشکل از افراد زبده کشور را تشکیل داده‌ایم که بحث صدور مجوز را پیگیری می‌کند. معاون نظارت حرفه‌ای و امور کمیسیون‌های سازمان نظام روانشناسی افزود: جمعیت هدف سازمان بهزیستی معلولان و افراد آسیب دیده اجتماعی است. درحالی که سازمان بهزیستی وارد بحث مراکز مشاوره ازدواج شده که این موضوع خلاف قانون است. بنابراین جامعه هدف مشخص است و فقط باید در چارچوب آن جامعه هدف فعالیت کند و ما بیش از این سهمی برای سازمان بهزیستی قایل نیستیم لذا سازمان بهزیستی به جای پرداختن به امور غیرقانونی به این شکل، بهتر است در چارچوب وظایف قانونی خودش عمل کند.

این که آیا واقعا سازمان بهزیستی عملی را برخلاف قانون انجام داده است یا خیر نیازبه بررسی دقیق‌تر و حقوقی دارد، اما این که معاونت سازمان نظام روانشناسی کشور بر وظایف خود آگاه بوده و حال که سازمان بهزیستی بدون هماهنگی به بحث مشاوره‌های ازدواج وارد شده و واکنش نشان داده، اتفاق خوبی است. اتفاقی که در سایر موارد شاهد آن نیستیم؛ اگر سازمانی در حیطه تخصصی سازمان دیگر وارد می‌شود، اعتراض قانونی شکل نمی‌گیرد و آشفتگی ناشی از آن، امری مسلم است. نتیجه آن این است که معتاد بهزیستی و کمیته امداد هرکدام در رابطه با توانمندسازی زنان ساز خود را می‌زنند و نهاد خانواده بدون متولی می‌ماند و سند امنیت زنان و کودکان و خانواده‌ای امن مدت‌ها در معاونت زنان ریاست‌جمهوری پیگیری می‌شود و روز بعد سازمان بهزیستی آن را ایجاد می‌کند. دغدغه زنان کارتن‌خواب، هم در شهرداری پیگیری می‌شود و هم بهزیستی و معاونت زنان از آن حرف می‌زنند و این آشفتگی، عدم هماهنگی و موازی کاری نتیجه‌ای جز سرگردانی ۳هزار زن کارتن‌خواب تهرانی ندارد. از چه مسلم است این که هم مادر در سطوح پایینی جامعه و هم مسئولان در مقام قانون‌گذار و برنامه‌ریز نباید حساسیت خود را نسبت به عدم رعایت هنجارها و قوانین از سوی دیگران و سایر سازمان‌ها از دست دهیم، که اگر این اتفاق بیفتد، آشفتگی ناشی از آن را با آغوش باز پذیرا خواهیم بود.